



زبان‌شناسی و ادبیات

پژوهشگر = سید عبدالحسین کشاورز (زبان‌شناس)

علمی و نوین از این زبان نایل آیند. **شناخت علمی و زبان‌شناسانه‌ی** زبان پارسی، نه تنها در امر آموزش این زبان، در داخل و خارج کشور نتیجه‌ی علمی و مثبت خواهد داشت، بلکه در شناخت ادبیات پارسی و گونه‌های مختلف آن هم تأثیرگذار است. تعداد کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در کشور ما با دیدی زبان‌شناسانه به ادبیات نگریسته‌اند، شاید از تعداد انگشتان دست تجاوز نکند، اما به نظر می‌رسد اگر از این جهت به دست‌آوردهای ادب پارسی نگاه کنیم، افق‌های روشن و مناظر زیبا و دلپذیر بسیاری را فراروی خود خواهیم داشت. در آن صورت از برداشت‌های ذوقی و نظریه‌های سلیقه‌ای و شخصی درباره آثار ادبی گذشته، به شناختی علمی، بنیادی و واقعی دست خواهیم یافت و بی‌تردید چنین شناختی در معرفی ادبیات شکوهمند پارسی به جهانیان نقشی مهم و تأثیری انکارناپذیر و ماندگار خواهد داشت.

شاید همه‌ی زبان‌شناسان موافق این نکته باشند که زبان‌شناسی یک هدف عمده دارد و آن هم «شناخت زبان» یا «رفتار زبانی» است. البته مکتب‌های مختلف زبان‌شناسی، بنا بر تعریف خود از زبان و با توجه به معیارهای علمی در شناخت آن، هر کدام به بررسی جنبه یا جنبه‌هایی ویژه از زبان پرداخته‌اند و به همین سبب روی‌کردها و روش‌های مختلف و در مواردی مخالف و متضاد را می‌توان یافت که به تجزیه و تحلیل و مطالعه و بررسی زبان پرداخته و توصیف‌های گوناگونی را از آن ارائه داده‌اند؛ بدون این که گره‌ای از مشکل موجود بکشایند.

سوسور که بنیان‌گذار زبان‌شناسی نوین به شمار می‌آید، مفهوم «نشانه» را محور نظرها و آرای خود قرار داد و البته «نشانه» در نظر او چیزی بیش از «واژه» نبود.

دست‌آوردهای گران مایه و نتایج ارزشمند این شاخه از دانش بشری بی‌بهره و محروم مانده‌اند و زبان‌شناسی در این سرزمین هنوز مراحل اولیه‌ی خود را می‌گذراند، به طوری که در زمینه‌ی بسیاری از شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل «جامعه‌شناسی زبان (۲)»، «روان‌شناسی زبان (۳)»، «منظورشناسی (۴)»، «معناشناسی (۵)»، تجزیه و تحلیل گفتمان و متن، هیچ کتاب و اثر شایان ذکری نداریم و حداکثر در بعضی زمینه‌ها، یکی دو کتاب یا مقاله وجود دارد که آن هم بیشتر رنگ و بوی ترجمه و اقتباس دارند تا نگرشی پژوهشی و علمی.

به عنوان مثال می‌توان به کتاب‌هایی مانند روان‌شناسی زبان (حاجتی، ۱۳۶۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان (مدرسی، ۱۳۶۸)، گفتمان و ترجمه (صلح‌جو، ۱۳۷۷) و زبان‌شناسی شعر (نبوی و مهاجر، ۱۳۷۶) اشاره کرد. یکی از وظایف علمی زبان‌شناسان و علاقه‌مندان زبان فارسی این است که با سیر مطالعات و پژوهش‌های زبان‌شناختی در غرب آشنا شده، به اصول آن راه یابند و خود در این زمینه به تلاش و تحقیق بپردازند، تا با بهره‌گیری از آن دست‌آوردها به مطالعه‌ی زبان پارسی و بررسی آن از جنبه‌های گوناگون آوایی، نحوی، معنایی، واژگانی، گفتمانی، نگارشی و غیره پرداخته، به شناختی

اگر چه از عمر درخت تتاور و کهن‌سال ادبیات پارسی دری، بیش از هزار سال می‌گذرد و این ادب جاودانه ریشه در اعماق فرهنگ چندین هزار ساله‌ی ملی و فرهنگ هزار و چهارصد ساله‌ی اسلامی ما دارد، اما با تأسف باید گفت که تحقیقات و مطالعات زبانی که به شیوه‌ای علمی و پژوهشی بتواند به بررسی ادبیات این مرز و بوم بپردازد، هنوز در کشور ما نهالی نوپا و کوچک است که به هیچ وجه در خور و شایسته‌ی چنان ادب جهانی نیست.

گویا ادب‌شناسان و ادب‌دوستان

ایرانی، بیشتر به لذت بردن از ثمرات دل‌انگیز و میوه‌های شیرین ادبیات پارسی علاقه داشته

و به تازه کردن مشام

جان خود از رایحه‌ی روح‌پرور شکوفه‌های دل‌نواز این گلستان بی‌مانند رغبت بیشتری دارند، تا به شناختن رمز و راز آن همه زیبایی و کشف عناصر سازنده و ترکیبات و مؤلفه‌های آن میوه‌های شیرین و روح‌بخش. پس از گذشت این همه سال، ما هنوز شناختی کامل و علمی از ادبیات پارسی، به ویژه در زمینه‌ی شعر نداریم.

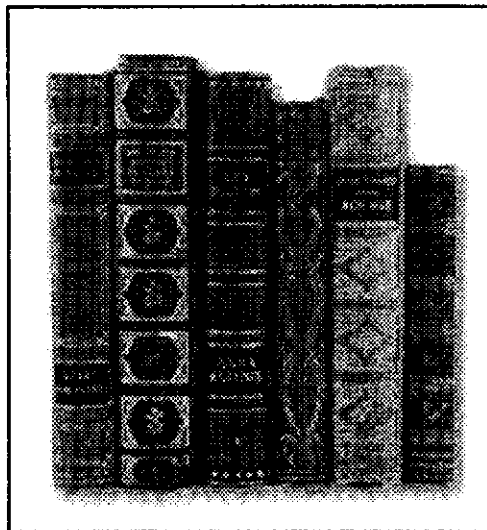
از سوی دیگر، زبان‌شناسی نوین از آغاز قرن بیستم با اندیشه‌های زبان‌شناس برجسته‌ی سوئدی، فردینان - دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳)، به صورت یک رشته‌ی علمی مستقل در کنار سایر علوم بشری تکوین یافت و به سرعت گسترش یافت. اگر چه هنوز بیش از یک قرن از تولد نوین این علم نمی‌گذرد، با این حال شاخه‌های پرشکوفه‌ی آن سر به آسمان دانش کشیده و رشد کرده است که سیری اجمالی بر تاریخ پویا و پرتحرک آن آدمی را غرق دریای شگفتی می‌نماید.

باید اعتراف کرد که جوامع ادبی و علاقه‌مندان مسائل زبانی در کشور ما، از

کشیدن خطی روشن بین گفتمان و متن کار آسانی نیست.

گفتمان فرایند و متن فراورده آن است. گفتمان پویا و متن ایستا می‌باشد.

دارد و آن هم «شناخت زبان» یا «رفتار زبانی» است. البته مکتب‌های مختلف زبان‌شناسی، بنا





پانوشته‌ها:

1. Linguistics and literature
2. Sociolinguistics
3. Psycholinguistics
4. Pragmatics
5. Semantics
6. Discourse and Text Analysis
7. Sign
8. Structuralism
9. Generative-Transformationalism
10. Sentence - Oriented
11. Word - Oriented
12. Firth
13. Halliday
14. Sinclair
15. Text

منابع تحقیق

الف - منابع پارسی

- ۱- حاجتی، عبدالخیل (۱۳۶۴). روان‌شناسی زبان. تهران: امیرکبیر.
- ۲- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس.
- ۳- صلح‌جو، علی (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- ۴- فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۵). جمله و تحول آن در زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- ۵- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن‌کاری». مجله‌ی زبان‌شناسی، سال نهم، شماره‌ی اول.
- ۶- مدرس‌سی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۷- مهاجر، مه‌ران و نبوی، محمد (۱۳۷۶). زبان‌شناسی شعر. تهران: نشر مرکز.
- ۸- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه - شیراز - نوید
- ۹- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۴). پانزده مقاله در زبان‌شناسی مقابله‌ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان. تهران: رهنما.

ب - منابع انگلیسی

1. Halliday, M.A.K. and Hassan, R. (1976). *Cohesion In English*. London: Longman.
2. Halliday, M.A.K. and Hassan, R. (1986). *Language, Context and Text: Aspects of language In A social - Semiotic Perspective*. Oxford University Press.
3. Halliday, M.A.K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
4. Stubbs, M. (1993). "British traditions in text analysis from Firth to Sinclair". In M. Baker, G. Francis and E. Tognini-Bonelli (Eds). *Text and Technology*. Philadelphia: John Benjamin Publish Company.

تعیین‌کننده در زبان‌شناسی تا پایان قرن بیستم به اجرا درآورد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۹).

با مسروری اجمالی پژوهش‌های زبان‌شناسی در دو دهه‌ی اخیر، می‌توان شاهد توجه روزافزون زبان‌شناسان به متن و تجزیه و تحلیل آن به عنوان واحد بررسی زبان بود، به طوری که شاید بتوان گفت در دو دهه‌ی اخیر، «تجزیه و تحلیل گفتمان و متن» کانون توجه و محور مطالعات زبان‌شناسان و نقطه‌ی اوج پژوهش‌های زبان‌شناسانه بوده است.

البته در تعریف متن و گفتمان و تمایز قائل شدن میان آن دو و یا یکی دانستن آن‌ها، بین زبان‌شناسان اختلاف‌نظر بسیاری وجود دارد. یار محمدی (۱۳۷۲، ص ۲۶۲) گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کند:

«گفتمان، به طور کلی به ساخت یا بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله اطلاق می‌شود و لذا تجزیه و تحلیل گفتمانی، ساخت و بافت پاراگراف، مقاله، داستان، گفت‌وگو، آگهی، دعوت‌نامه و حتی رباعی، قصیده و قس علی‌هذا را مورد بررسی و توصیف قرار می‌دهد.»

کشیدن خطی روشن و مرزی آشکار میان متن و گفتمان شاید به سادگی

ممکن نباشد و در این مختصر هم جای پرداختن به چنین مسأله‌ای نیست. در این جا به همین نکته بسنده می‌کنیم که «گفتمان را نباید با متن اشتباه گرفت. گفتمان مجموعه‌ی

عناصر، لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم جمع آیند متن را به وجود می‌آورند. بنابراین، متن حاصل و نتیجه‌ی گفتمان است. به سخن دیگر، گفتمان فرایند و متن فرآورده آن است. گفتمان پویا و متن ایستاست» (صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص ۸). به هر تقدیر، تجزیه و تحلیل گفتمان و متن به تجزیه و تحلیل زبان در سطحی بالاتر از جمله توجه دارد.

«پایان»

زبان‌شناسان بعد از سوسور هم حداکثر تا مرز «جمله» پیش رفتند و به توصیف و تجزیه و تحلیل آن از جنبه‌های گوناگون آوایی، نحوی، معنایی و واژگانی پرداختند.

زبان‌شناسان در دو مکتب بزرگ زبان‌شناسی:

«ساختارگرایی (۸)» و «زایا -

گشتاری (۹)» کوشیدند تا با پژوهش دقیق در

اگر چه ادبیات ایران که بر اساس زبان شیوای پارسی دری پا گرفته، از پیشینه‌ای چندین هزار ساله برخوردار است و بر بلندای قله‌ی ادبیات دنیا جای دارد، اما زبان این ادبیات شکوفا و شکفت‌انگیز تاکنون مورد بررسی دقیق علمی و پژوهشی زبان‌شناسی قرار نگرفته و مهجور مانده است.

مورد «جمله محور (۱۰)»، (یعنی با تجزیه و تحلیل جمله‌های منفرد و بریده از متن و جدا از بافت اصلی، بدون توجه به موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی کاربرد آن زبان، زبان پیچیده و حیرت‌انگیز بشر را توصیف نمایند و به نظریه‌ای جامع و کامل‌تر از آن دست یابند. بدون تردید چنین توصیفی از زبان مانند لباسی است که بر اندام مناسب نباشد.

نادیده انگاشتن عوامل بافتی و محیطی و غافل شدن از مسائل فرهنگی و اجتماعی و توجه نکردن به کاربرد واقعی زبان در جامعه، موجب شکست‌ها و ناکامی‌های فراوان در توصیف زبان می‌شود.

در کنار زبان‌شناسانی، که نگرشی ایده‌آلی، جز گریانه و محدود با رویکردی «واژه محور (۱۱)»، یا «جمله محور» به زبان

کم‌تر کتابی در کشور ما یافت می‌شود که با دیدی زبان‌شناسانه به ادبیات شکفت‌انگیز ما تگریسته باشد.

داشتند، زبان‌شناسان دیگری مانند فرث، هالییدی و سینگر را می‌توان یافت که به کاربرد زبان در زندگی روزمره توجه کردند و واحدهای بالاتر از «جمله» را مبنای پژوهش خود قرار دادند. به این ترتیب از دهه‌ی شصت میلادی به این سو، پدیده «متن (۱۵)» به عنوان واحد پژوهش و تحلیل زبان شناختی مورد بررسی قرار گرفت. رفته‌رفته، نقشی